

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان)

ولی بهرامی* ، محسن نیازی** ، مهران سهراب زاده***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۳۰

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال استان لرستان است. پژوهش حاضر از نظر روش کمی، از نظر جهت پژوهش کاربردی که با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. حجم نمونه ۸۵۲ نفر برآورد شده و شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بوده، به طوری که پس از رعایت مراحل نمونه‌گیری، از شش شهرستان خرم‌آباد، بروجرد، الیگودرز، کوهدشت، الشتر و پلدختر و از هر شهرستان یک شهر و دو روستا متناسب با حجم جمعیت هر کدام، افراد نمونه تخصیص یافتند. بر اساس نتایج، میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان (۲/۷۱) نسبتاً بالاست. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی،

* دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان و مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد (نویسنده مسئول).

bahrami1171@gmail.com

niazim@kashanu.ac.ir

ms3102002@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان،

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.

بیشترین میزان آگاهی مربوط به حقوق اجتماعی شهروندی (۲/۸۶) و کمترین آن مربوط به حقوق فرهنگی شهروندی (۲/۳۸) بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج اجرای آزمون همبستگی پیرسون، تأثیر مثبت و متوسط متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تأثیر منفی و متوسط متغیرهای گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای، پنداشت از عملکرد نظام سیاسی، احساس امنیت اقتصادی با آگاهی از حقوق شهروندی و عدم تأیید رابطه بین متغیرهای هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی با آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان می‌دهد که در مجموع ۴۲/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) از طریق یک ترکیب خطی از متغیرهای مستقل احساس امنیت اقتصادی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای و هویت اجتماعی تعیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، هویت اجتماعی، گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای، احساس امنیت اقتصادی

طرح مسئله

شهروندی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است و از مهم‌ترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است که در بازخوانی رابطه فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند. شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت منافع خود را دنبال کند و در شکل دادن به نهادهای حکومتی مؤثر باشد و از سوی دیگر بر مسئولیت‌هایی که باید بر پایداری جوامع سیاسی و محیط طبیعی مان پذیریم تأکید می‌کند (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۵).

آشنایی با مفهوم شهروندی به خوبی نشان می‌دهد که این ایده در اصل به حقوق اقتصادی، سیاسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آن‌ها حرکت می‌کنند، فقط ارتقاء برابری را به منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۸). از آنجاکه در مفهوم شهروندی جنبه حقوقی و تکالیف و مسئولیت‌ها مطرح می‌شود و مسئولیت شهروندی همان «خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸)، بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی آگاهی نداشته باشند، از وظایف خود آگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. آگاهی از این حقوق به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۶۷). بنابراین، میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه فعال شدن آن‌ها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقای آن نقش مؤثری دارد. در ایران بیش از یک سده است که مبارزه برای احقاق حقوق شهروندی و به عبارت دیگر فرآیند تبدیل امت به ملت و رعیت به شهروند با فراز و نشیب‌های فراوانی ادامه دارد (مالجو، ۱۳۸۱: ۳۴)، با این وجود هنوز شاهد چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بحران‌زا در شهرهای مختلف ایران هستیم. چنانچه در ایران شواهد متعددی مبنی بر ضعف نسبی شهروندی به خصوص در زمینه مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندان در چندوچون دریافت حقوق شهروندی (شیانی، ۱۳۸۲؛ یوسفی و عظیمی هاشمی، ۱۳۸۷؛ غیاثوند، ۱۳۹۰)، شهروندی اجتماعی منفعل (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳؛ وصالی و موسوی، ۱۳۹۵)، مشارکت اجتماعی اندک شهروندان به خصوص در عرصه‌های رسمی و عمومی (موسوی، ۱۳۹۱؛ یزدان پناه، ۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی حداقلی (به معنای صرفاً رأی دادن) و اکتفا به آن (جلانی پور، ۱۳۹۲)، بالا بودن سطح بی‌تفاوتی اجتماعی، فردگرایی خودمدارانه و نداشتن التزام مدنی (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰؛ غفاری و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۳)، ناچیز بودن وقتی که ایرانیان صرف فعالیت‌های داوطلبانه و

خیریه می‌کند (به‌طور متوسط دو دقیقه در شبانه‌روز بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در بهار ۹۴) وجود دارد.

به عقیده کارشناسان مسائل اجتماعی ایران، بخش عمده از این چالش‌ها به دلیل عدم آگاهی و ناآگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی است (پیرهادی، ۱۳۸۵: ۴۴). همچنین نتایج تحقیقات گوناگون (نگاه کنید به رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷) و سایر پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که اولاً شهروندی و عدم رعایت اصول شهروندی از جمله مشکلات اولویت‌دار کشور می‌باشد و در ثانی مردم کشور ما آگاهی زیادی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود ندارند. همچنین رعایت حقوق شهروندی و به تبع آن اخلاق شهروندی در سطح خوبی قرار ندارد. چالش‌های فرهنگی و مشکلات شهری فوق در شهرهای استان لرستان به‌طور محسوس‌تری دیده می‌شود. شواهد عینی در گذشته تاریخی استان لرستان نشان‌دهنده وجود ارزش‌ها و باورهای نوع‌دوستی، خیرخواهی، صلح و دوستی، مهمان‌نوازی، روحیه همکاری، همدلی و... است. ماهیت درهم‌تنیده مناسبات اجتماعی قومی، طایفه‌ای، دودمانی و خویشاوندی نشان می‌دهد که آن‌ها، باورها و معانی عمیق چند هزارساله خود را در زندگی اجتماعی و تعاملات خود به‌درستی می‌فهمیدند. بنابراین باورها و زیست جهان آن‌ها حول جهان هستی، زندگی، کار و معیشت شکل گرفته و اجزای این زیست جهان در طول زمان باهم، همخوانی و هم‌نوایی داشته است. در این فرهنگ باورها و اعتقادات، زبان شفاهی، ترانه‌ها، لالایی‌ها، اسطوره‌ها، فرهنگ کار، اوراد و ادعیه در هماهنگی عجیبی با هم پیوند یافته‌اند که نشانگر ارتباطات عمیق معنوی و مادی انسان‌های این جامعه است. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، آداب و رسوم و سنت‌ها (عروسی و عزا)، احترام به بزرگ‌ترها و نقش نظام ریش‌سفیدی و کدخدا منشی در حل اختلافات، وفاداری و احترام به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نشان‌دهنده آن است که در گذشته تاریخی این جامعه مردم با عرف و سنت‌های خود آشنا بوده‌اند و نسبت به آن‌ها آگاهی داشته‌اند. این آگاهی موجب پایبندی بیشتر مردم به هنجارها و عرف در جامعه سنتی شده است.

این عوامل در جامعه سنتی، مثبت و کارکرد داشته که با گذار از جامعه سنتی به جامعه جدید مدرن و تغییرات ناشی از آن به نظر می‌رسد که افراد جامعه کنونی نسبت به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خودآگاهی چندانی ندارند. چالش‌هایی از قبیل؛ بیکاری گسترده و فزاینده (سازمان برنامه‌ریزی استان لرستان، ۱۳۹۴: ۱۷)، میزان پایین تحمل و مدارای اجتماعی (ترکارانی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)، پنداشت بیشتر مردم از ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری منفی در لرستان (۶۳/۳ درصد) نسبت به شاخص کشوری (۶۰/۶ درصد) (پیمایش ملی سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۳)، میزان مشارکت اجتماعی پایین در عرصه رسمی (عبدی‌پور و حق‌ندری، ۱۳۹۵) و وجود مشارکت‌های عمدتاً صوری بدون مشارکت واقعی و هدفمند را می‌توان به‌عنوان مسائل عمده اجتماعی لرستان در ارتباط با حوزه شهروندی برشمرد.

لرستان جامعه‌ای با پیشینه نظام ایلی است که با وجود مواجهه صدساله با توسعه هنوز تاکنون پیوندهای طایفه‌ای، قبیله‌ای و خویشاوندی تا حدودی زیادی بر این جامعه غلبه دارد. مواجهه عناصر مدرن با جامعه مستقر کنونی لرستان که تغییرات زیادی در ساختار اجتماعی ایلی خود داشته و دچار نوعی تغییر در ساختارهای اجتماعی شده و عرصه‌های سنتی و غیررسمی در کنار عرصه‌های مدرن (به‌خصوص در ارتباط با نهادهای دولتی) شکل خاصی به خود گرفته و بررسی مسئله آگاهی از حقوق شهروندی را پیچیده نموده است. قوم‌گرایی^۱ و هویت قومی^۲ یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های ایجاد تعلق بین گروهی در استان لرستان است. وضعیت متغیرهای قوم‌مداری، احساس تعهد قومی، افتخار به هویت طایفه‌ای^۳، خاص‌گرایی^۴ در استان لرستان بالاتر از میانگین کشوری است. این موجب تقویت هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی^۵

-
1. Ethnicity
 2. Ethnic identity
 3. Tribal identity
 4. Specialism
 5. Social capital

درون‌گروهی - خانواده، اقوام نزدیک، دوستان و آشنایان - می‌گردد. از سوی دیگر، هرچند سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در لرستان به خاطر غلبه طایفه‌گرایی بالاست اما به لحاظ سرمایه اجتماعی وضعیت مطلوبی ندارد و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و اعتماد تعمیم‌یافته در آن کمتر است (ترکاری و حق‌ندری، ۱۳۹۴). اوج این سرمایه اجتماعی در زمان کنش‌های سیاسی از جمله انتخابات درون‌استانی (شوراهای شهر - روستا و مجلس) بروز می‌کند که اساساً بعدی منفی پیدا می‌کند و پتانسیل توانمندساز خود را از دست می‌دهد. تأکید افراطی بر قوم‌مداری رهاوردی جزء «بالکانیزه کردن» و «محدودیت رابطه‌ای» نداشته است. این بالکانیزه شدن، تکه‌تکه شدن و محدودیت رابطه‌ای در استان لرستان، شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی را با مشکل مواجهه کرده است. همچنین غلبه کنش‌های ارزشی و عاطفی قوم‌گرایی، بر کنش‌های عقلانی و معطوف به هدف، منجر به گسست کنش‌های ارتباطی روان و سیال حوزه عمومی برای ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی شده است. در فضای ارتباطی جدید که باید مدنی، آزاد و آگاهانه باشد، افراد از مدار ارتباطی خارج می‌شوند و امکان به رسمیت شناخته شدن، دیده شدن، شنیده شدن، امکان خواندن و خواننده شدن را پیدا نمی‌کنند. کنش‌های ارزشی و عاطفی با غیریت‌سازی‌ها و منع‌ها، با کنترل‌ها، با طرد شدن‌ها، با حاشیه راندن‌ها به اشکال گوناگونی اجازه نمی‌دهد تا افراد بتوانند به نوعی فرصت دیده شدن و به رسمیت شناخته شدن پیدا کنند. عدم به رسمیت شناخته شدن و امکان خودبیانگری در بحث حقوق جنسیتی شهروندان در جامعه مورد مطالعه قابل ذکر است. شهروندی یک سلسله روابط نابرابر قدرت را پنهان می‌کند که نشان می‌دهد مسئله آگاهی از حقوق جنسیتی شهروندی قابل بحث است. شهروندی جنسیتی از منظر یک هویت اجتماعی خاص یعنی هویت مردان تعریف می‌شود و بنابراین به نفع آن عمل می‌کند، چنانچه در پیمایش موج سوم «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (۱۳۹۴) خانواده‌های لرستانی فرزند پسر را بیشتر ترجیح می‌دهند و این نگاه جنسیتی نیز در بین سنین بالاتر مشهودتر است. این موجب شده که زنان به‌گونه‌ای ترسیم شوند که ناتوان

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۴۱

از انجام مسئولیت‌های شهروندی پنداشته شوند و امکان به رسمیت شناخته شدن و خودبیانگری از آنان سلب شود و از رسیدن به حقوق شهروندی‌شان و مشارکت در جامعه شهری بازمانند. بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند به آگاهی زنان از حقوقشان و رهایی آنان از سلطه مردانه، رفع تبعیض و رعایت حقوق متقابل زنان و مردان کمک کند. با توجه به مباحث فوق، مسئله اصلی این پژوهش بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان استان لرستان است.

پیشینه تجربی

تحقیقات متعددی در بین اندیشمندان داخلی و خارجی در مورد شهروندی انجام گرفته که در جدول زیر به مهم‌ترین این تحقیقات می‌پردازیم.

جدول ۱- تحقیقات داخلی و خارجی

متغیرهای کلیدی	مهم‌ترین یافته‌ها	موضوع	روش	سال انتشار	پژوهشگر
تحصیلات، سن، جنسیت، آگاهی از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی	آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی به‌طور معنی‌داری در سطحی پایین‌تر از میانگین قرار دارد. در بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی دانشجویان دختر و پسر، فقط آگاهی از حقوق مدنی در دختران بیش از پسران است و تفاوتی در دیگر ابعاد وجود نداشت. همچنین مقایسه آگاهی دانشجویان بر اساس	آگاهی از حقوق شهروندی	پیمایش	۱۳۸۸	آراسته

	مقطع تحصیلی و سن تفاوت معنی‌داری را در هیچ‌یک از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی نشان نداد				
هزارجریبی	۱۳۹۰	پیمایش	آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین نمره آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان برابر ۱۱/۳۳ است. ۳۵/۲ درصد پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی، ۴۵/۶ درصد آگاهی متوسط و تنها ۱۹/۳ درصد آگاهی بالایی دارند. میزان حضور در عرصه عمومی، میزان استفاده از رسانه‌ها، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری دارد.	جنس، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان استفاده از رسانه، میزان حضور در عرصه عمومی، نگرش به حقوق شهروندی
احمد پور	۱۳۹۱	پیمایش	آگاهی از حقوق شهروندی	در این پژوهش ۸/۹ درصد (۱۰/۷ درصد زنان و ۷/۳ درصد مردان) از پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشته، ۸۴/۲ درصد (۸۴ درصد زنان و ۸۴/۵ درصد مردان) آگاهی متوسط و ۶/۸ درصد (۵/۳ درصد زنان و ۸/۲ درصد مردان) از آگاهی بالایی برخوردار	آگاهی از حقوق شهروندی، جنسیت، مشارکت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش عام‌گرایی - خاص‌گرایی

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۴۳

	<p>بوده‌اند. میزان آگاهی مردان از حقوق شهروندی از زنان بیشتر است بین مشارکت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش عام‌گرایی - خاص‌گرایی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌دار وجود دارد.</p>				
سن، جنس، تحصیلات، شغل	<p>در این پژوهش میزان آگاهی از ابعاد حقوق شهروندی در میان شهروندان خرم‌آباد یکسان نبوده است. بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد مدنی و کمترین آن مربوط به بعد سیاسی بوده است. بین سن، جنس، تحصیلات، شغل، افراد با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود داشته است.</p>	آگاهی از حقوق شهروندی	پیمایش	۱۳۹۲	سپهوند و باقری
سن، میزان مشارکت اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیتی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، حضور در عرصه عمومی	<p>۲۷/۸ درصد از پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق و تکالیف شهروندی، ۶۰/۷ درصد از پاسخگویان آگاهی متوسط و تنها ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان از آگاهی بالایی برخوردار بودند و بین سن پاسخگویان، میزان مشارکت</p>	آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی	پیمایش	۱۳۹۲	شهبازی و ابراهیمی

	<p>اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیتی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و حضور در عرصه عمومی با میزان آگاهی زنان از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه معناداری وجود داشت.</p>				
<p>سرمایه اجتماعی، اعتماد بین فردی، اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی</p>	<p>یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در جامعه مورد (خرم‌آباد) بررسی وضعیت اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی متوسط روبه پایین است. تنها در متغیر اعتماد بین فردی است که این وضعیت به سوی متوسط رو به بالا تغییر جهت می‌دهد.</p>	<p>آگاهی از حقوق شهروندی</p>	<p>پیمایش</p>	<p>۱۳۹۵</p>	<p>عبدی‌پور و حق‌ندری</p>
<p>جنسیت، تحصیلات، میزان عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های مدرسه، تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌های جمعی</p>	<p>میزان آگاهی دانش‌آموزان شهرستان پلدختر از کلیه حقوق شهروندی متوسط و زیاد می‌باشد. در میان ابعاد حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته‌اند. علاوه بر این بین جنسیت، نوع تحصیلات، میزان عضویت در انجمن‌ها و</p>			<p>۱۳۹۵</p>	<p>بهرامی و همکاران</p>

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۴۵

	<p>کانون‌های مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستایی یا شهری بودن) و استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد.</p>				
<p>جنسیت، رسانه‌های جمعی، مشارکت در نهادهای مدنی، گروه‌های سنی، سمت در خانوار، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت</p>	<p>میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری متوسط است. آگاهی مردان بیشتر از زنان است. رابطه بین متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی با آگاهی شهروندی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی مهم‌ترین تبیین‌کننده آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری است. رابطه متغیرهای زمینه‌ای (گروه‌های سنی، سمت در خانوار، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت) با میزان آگاهی از حقوق شهروندی معنادار است.</p>	<p>آگاهی نسبت به امور شهری</p>	<p>پیمایش</p>	<p>۱۳۹۵</p>	<p>شارع پور و شعبانی</p>
<p>جنسیت، تحصیلات، مشارکت اجتماعی</p>	<p>در فرا تحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی، یافته‌ها حاکی از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوی‌گیری انتشار مطالعات</p>	<p>آگاهی از حقوق شهروندی</p>	<p>پیمایش</p>	<p>۱۳۹۶</p>	<p>نیازی و همکاران</p>

	<p>است.. اندازه اثر یا ضریب تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی معادل ۰/۵۳ است در حد زیاد ارزیابی می‌شود. ضریب اثر بر اساس متغیر تعدیل‌گر جنسیت برای مردان (۰/۵۸) بالاتر از زنان (۰/۴۶) بود، بدین معنی که میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته است.</p>				
<p>جنسیت، نگرش شهروندی، دانش شهروندی</p>	<p>نتایج نشان داد که بین آگاهی و دانش شهروندی افراد چهارده‌ساله کشورهای مورد مطالعه تفاوت چندانی وجود نداشته است، اما در نگرش‌ها، دامنه تغییرات بین کشورها بیشتر بوده است.</p>	<p>دانش و نگرش نسبت به حقوق شهروندی</p>	<p>پیمایش</p>	<p>۲۰۰۱</p>	<p>پورتا و همکاران</p>
<p>مشارکت اجتماعی، آگاهی از حقوق، تکلیف شهروندی</p>	<p>مطالعات وی نشان داد که کودکان را به‌عنوان شهروندان باید به‌گونه‌ای تربیت کرد که با اجتماع مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف و تکالیف خود در قبال جامعه عمل کنند.</p>			<p>۱۹۹۸، (۱۹۹۳)</p>	<p>اتزیونی</p>

بررسی تحقیقات آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که سنجش میزان آن در تحقیقات متغیر است چنانچه در برخی از این تحقیقات میزان آن متوسط، متوسط به بالا و در برخی دیگر ضعیف بیان شده است. همچنین جنبه توصیفی اکثر این تحقیقات بر جنبه تبیینی غالب است. نوآوری این تحقیق استفاده از متغیرهای مستقل جدید مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی است. در متغیرهای مورد استفاده از تحلیل عاملی استفاده شده که موجب انسجام بیشتر گویه‌ها در سنجش متغیر وابسته شده است. از نظر دامنه افراد مورد مطالعه، اکثر تحقیقات در استان لرستان در سطح خیلی محدود و گروه‌های خاصی انجام گرفته است. در این تحقیق مطالعه شش شهرستان و حجم نمونه بیشتر (۸۵۲ نفر)، موجب تعمیم‌دهی بهتر، شمول و نتایج دقیق‌تری شده است. همچنین از آنجاکه استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای موجب می‌شود که دو یا چند شهرستان با وجود تفاوت در میزان توسعه‌یافتگی در یک یا دو خوشه خاص قرار بگیرند، استفاده از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای در این تحقیق را می‌توان به‌عنوان نوآوری دیگری ذکر کرد.

مبانی نظری پژوهش

شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که در بستر تاریخی - اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته است. این مفهوم، در فرآیند تاریخی و به تبع تحولات پدید آمده در جوامع، دگرگون شده است. چنان‌که مکاتب و صاحب‌نظران مختلف، این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده و هریک بر بعد یا ابعادی از آن تأکید داشته‌اند. در بررسی تحولات نظری، به یک اعتبار می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری‌خواهی را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی، ۱۳۸۴: ۸۴). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد است و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد. بنابراین شهروندی باید بر مبنای حقوق باشد، اگرچه این امر به معنای فراموش کردن وظایف نیست. درحالی‌که

در مکتب جمهوری‌خواهی این تعهدات و وظایف هستند که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل و فعالیت تعریف می‌شود. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۴). تحلیل تاریخی-جامعه‌شناختی مارشال نقطه شروعی برای مبحث شهروندی کلاسیک بوده است. چنانچه گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ. مارشال دچار دگرگونی شد. کار مارشال مبتنی بر چشم‌اندازی از حقوق برابر برای طبقه کارگر در جوامع سرمایه‌داری است که از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی در بریتانیای قرن هجدهم تا بیستم الهام گرفته است (Turner, 2006: 66). وی توسعه تاریخی شهروندی را با توسعه سرمایه‌داری ارتباط می‌دهد و مخصوصاً به توسعه حقوق شهروندی به‌عنوان یک نظام برابر و به توسعه سرمایه‌داری به‌عنوان یک نظام نابرابر معتقد بوده و اشاره می‌کند که اگرچه شهروندان با هم برابرند، اما طبقات اجتماعی در وضع نابرابری به سر می‌برند. بر همین اساس، او از دولت رفاه به‌مثابه ابزاری برای برابر کردن موقعیت‌ها و حذف نابرابری‌های غیرعادلانه حمایت کرده و درعین حال معتقد بود که نابرابری‌ها باید تا حدی وجود داشته باشد، زیرا که لازمه یک اقتصاد سالم و علاوه بر آن منعکس‌کننده تفاوت‌ها و قابلیت‌های فردی محسوب می‌شوند (فاطمی نیا و حیدری، ۱۳۸۷: ۴۳). مارشال مدعی است که سه عنصر [حقوق] مدنی، سیاسی و اجتماعی در یک دوره سه‌قرنی، توالی تاریخی به وجود آمده‌اند و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. ظهور حقوق مدنی عمدتاً در قرن هجدهم، حقوق سیاسی در قرن نوزدهم و حقوق اجتماعی در قرن بیستم اتفاق افتاد (Marshall, 1964: 74). تئوری مارشال بر اثر مشکلات اقتصادی، از جمله بیکاری و رکود و پس‌از آن ظهور نشانه‌های جدی از پدیده جهانی‌شدن، موردانتقاد بسیاری از صاحب‌نظران شهروندی و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفت (Pateman, 1989; Janoski and Gran, 2002; Turner, 2001; Kartal, 2001). وجه مشترک این انتقادات این بود که گسترش حقوق

اجتماعی چیزی جز انفعال، وابستگی رفاهی به دولت، مشارکت ناچیز در تأمین رفاه، کاهش وابستگی به خانواده و زوال شبکه روابط خصوصی، به دنبال نداشته است (Dean, 2013; Rose, 2005; Mead, 1986; Keman, 1999). مارکس نیز همانند مارشال توسعه تاریخی شهروندی را با توسعه سرمایه‌داری ارتباط می‌دهد و توسعه سرمایه‌داری را به‌عنوان یک نظام نابرابر معرفی می‌کند. وی بر نقش سرمایه‌داری در ایجاد نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و اثرات آن بر شهروندی توجه دارد. مارکس تاریخ جامعه بشری را بر اساس مبارزه طبقاتی توصیف می‌کند. وی با زیربنا قرار دادن ساختار اقتصادی چنین استدلال می‌کند که جامعه سرمایه‌داری باعث درماندگی و بدبختی بخش‌های وسیعی از جمعیت شده و بحث طبقه و مالکیت سرمایه موجب برآورده نشدن ارزش‌های مشترک شهروندی شده است (شیانی، ۱۳۸۴: ۵۱). به گمان مارکس، سرمایه‌داری ابتدا شرایطی را در دولت برای رشد شهروندی فراهم نمود، اما بعدازآن با برابری غیرواقعی موقعیت شهروندی اجازه می‌دهد تا تقسیمات واقعی اقتصادی- اجتماعی پنهان شود. به بیان دیگر شهروندی نقابی بر تقسیمات اقتصادی- اجتماعی شد تا حجم وسیعی از افراد شهروند نامیده شوند، اما در عمل پرولتاریا باقی بماند (Oliver & Heater, 1994). به عبارت دیگر مارکس با زیربنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه حاکم و زیردست مشخص می‌کند و عرصه جامعه را عرصه مبارزه همیشگی این دو طبقه دانسته است. به گمان مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی- اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود، چرا که نابرابری زیاد طبقاتی موجب شده تنها سرمایه‌داران از حقوق و نه مسئولیت‌ها برخوردار باشند و به تبع آن میزان آگاهی افراد با پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین کمتر از افرادی با موقعیت اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشند. از نظر ترنر هرچند مارکس به بعد اقتصادی توجه داشته، ولی مارشال از حقوق شهروندی بسیار مهمی غفلت کرده است. حقوق اقتصادی و فرهنگی اهمیت زیادی دارد که مارشال به آن‌ها توجه نداشته است، در صورتی که شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی متکی بر

شهروندی اقتصادی و فرهنگی است (Pakulski, 1997: 57). وی شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی قانونی می‌دهد و موقعیتی برای شکل دادن به اجتماع جامعه‌ای فراهم می‌کند و علاوه بر این حوزه عمومی را نیز تحت حمایت قرار می‌دهد و بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) در جامعه نظارت دارد (Turner, 1998). در کنار این منابع، وی به سه نوع حقوق شهروندی؛ حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه، تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی اشاره می‌کند (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲). ترنر در طرح تکمیلی و تجربی خود، شهروندی را از ابعاد مختلف؛ شکل اجتماعی شهروندی (بالا- پایین)، قلمرو اجتماعی شهروندی (حوزه عمومی- خصوصی)، گونه اجتماعی شهروندی (مشارکت فعال- منفعل)، محتوای اجتماعی شهروندی (تکلیف محور- حقوق محور) مورد مذاقه قرار می‌دهد (Turner, 1994: 210). بنابراین ترنر در تیپولوژی و مدل خود به زمینه‌های سیاسی خصوصاً دولت و ماهیت جامعه مدنی و رابطه بین قلمرو خصوصی با عمومی و اینکه سیاست دموکراتیک دولت چگونه است توجه می‌کند و به شهروند به‌عنوان اینکه یک سوژه، تحت سلطه اقتدارگرایانه مطلق است یا به‌عنوان یک عامل سیاسی فعال است و برحسب اینکه جهت توسعه شهروندی از بالا (از طرف دولت) یا از پایین باشد (برحسب نهادهای مشارکت محلی) توجه دارد (غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

جانوسکی نیز همانند ترنر با بسط دادن نظریه مارشال، «شهروندی را عضویت فعال یا منفعل افراد در ملت- دولت (nation- state) با حقوق و تکالیف شمول گرایانه (universalistic) معین که در یک سطح مشخصی از برابری است، می‌داند» (Janoski, 1998: 8-11). وی با تفکیک عرصه خصوصی که بیشتر بر حقوق بازار ناظر است از عرصه عمومی که با حوزه سیاست ارتباط دارد به انواع حقوق شهروندی پرداخته است. به نظر وی حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن حمایت می‌کنند

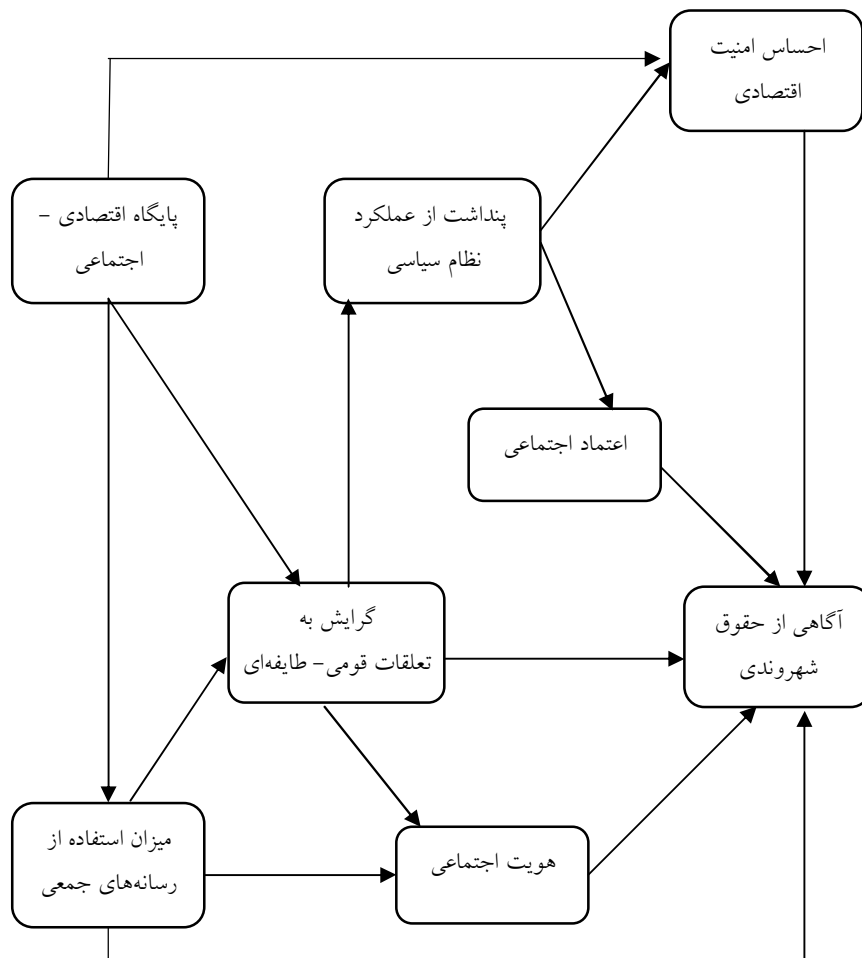
و توسط دولت تصویب شده و دارای ضمانت اجرایی هستند. حقوق و تعهدات شهروندی می‌تواند با عضویت فعال و منفعل شهروندان در جامعه همراه شود. شهروندی منفعل یعنی حق وجود داشتن و بهره‌مندی از حقوق، اما فعال بودن یعنی توانایی اثرگذاری بر سیاست‌ها (Janoski, 1998: 29-34). به این ترتیب وی با افزودن نوع دیگری از حقوق به نام «حقوق مشارکتی» نظریه شهروندی مارشال را تکمیل می‌کند و با تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی به جنبه دیگری از شهروندی فعال/منفعل در حوزه حقوق و تعهدات اشاره دارد (غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۲۰). به زعم جانوسکی (۱۹۹۸)، عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی و سیاسی بر شهروندی مؤثرند و شکل‌گیری شهروندی مستلزم سه عنصر آرمانی؛ شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، سازمان کارآ و اثربخش (در عرصه عمومی) و حاکمیت خوب (در عرصه دولت) است و هر چه یک جامعه به سوی شهروندی فعال، سازمان کارآ و حاکمیت خوب پیش رود، آگاهی از حقوق شهروندی در آن جامعه و امکان تحقق شهروندی در آن بیشتر است. روستاین همانند جانوسکی بر نقش حاکمیت خوب به‌ویژه دولت در شکل‌گیری شهروندی توجه دارد، با این تفاوت که روستاین به نقش ایجاد اعتماد توسط حاکمیت خوب و نظام سیاسی می‌پردازد. استدلال اصلی وی این است که اعتماد اجتماعی از پایین تولید نمی‌شود بلکه از بالا تولید می‌شود. به عبارات دیگر، نوع خاصی از نهادهای سیاسی هستند که اعتماد تولید می‌کنند. نهادهای حکومتی و خط‌مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف، صداقت و بی‌طرفی بنا شده‌اند، اعتماد به بار می‌آورند (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۰) و این دولت‌ها هستند که زمینه را برای ایجاد چنین شرایطی فراهم می‌آورند. عدم اعتماد به همکاری دیگران، تمام بازیگران را در «دام اجتماعی» گرفتار می‌سازد. دام‌های اجتماعی، وضعیتی است که وقتی بهره کوتاه‌مدت امری در اولویت قرار می‌گیرد، در درازمدت کنشگران زیان می‌کنند (همان، ۱۳). به باور روستاین، برای هر شهروندی عاقلانه است که مالیات و عوارض نپردازد، اما از خدمات شهری بهره ببرد. وقتی همگان یا اکثریت قابل توجهی به این ترتیب عاقلانه

عمل کنند، نتیجه نهایی فلج شدن خدمات عمومی برای همگان خواهد بود. برای جوامعی که در تله دام‌های اجتماعی گرفتار شده‌اند، افزایش مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه نمی‌تواند راه‌حلی برای نجات آن‌ها تلقی شود.

آنچه می‌توان در باب نظریه شهروندی ترنر گفت این است که وی در الگوی نظری خود رابطه شهروندی با هویت را یک‌سویه در نظر می‌گیرد و به ابعاد هویت (فردی، قومی، ملی و...) در نظریه خود توجه چندانی ندارد. بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال بودیم که آیا ارتباط بین هویت و آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند دوسویه و متقابل باشد و شهروندی همان‌طور که به افراد هویت رسمی قانونی می‌دهد آیا هویت اجتماعی (ملی و قومی) نیز می‌تواند با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه داشته و بر آن مؤثر باشد. بنابراین فرضیه " به نظر می‌رسد بین هویت اجتماعی (قومی و ملی) و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد". همچنین به‌زعم ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. به‌زعم وی منابع اقتصادی و احساس امنیت اقتصادی می‌تواند بر فضیلت شهروندی و حضور شهروند در اجتماع و آگاهی آنان از حقوق شهروندی تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین فرضیه " به نظر می‌رسد بین احساس امنیت اقتصادی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد" بر همین مبنا انتخاب شد.

با توجه به اینکه پیشینه نظام اجتماعی و فرهنگی استان لرستان مبتنی بر نظام ایلی طایفه‌ای و قوم‌مداری است و به‌زعم کارشناسان و متخصصان، گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای تعیین‌بخش بسیاری از تحولات اجتماعی و مناسبات سیاسی در آن است. ذیل نظریه ارزش‌ها و حقوق فرهنگی شهروندی ترنر فرضیه " به نظر می‌رسد بین گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد" مورد بررسی قرار گرفت.

روستاین نیز ایجاد و تداوم اعتماد را از بالا به پایین و نشأت گرفته از نهادهای حکومتی و سیاسی قلمداد می‌کند. وی معتقد است که در صورت عدم وجود اعتماد به نهادهای حکومتی، مردم نیز دلیلشان را برای اعتماد به یکدیگر و بالتبع همکاری و شهروندی اجتماعی فعال از دست می‌دهند، به خاطر اینکه نسبت به نهادهای عدالت محوری که باید مانع فساد و رفتارهای ناعادلانه بشود، اعتماد ندارند. وی علاوه بر این، اعتماد اجتماعی و بین فردی را نیز متأثر از اعتماد نهادی بخصوص به دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌داند، چرا که دولت با برخورد فراگیر و عادلانه‌ای که با آحاد مردم دارد، می‌تواند آن‌ها را مجاب کند که کسی قادر به سوءاستفاده از سیستم نیست. فرض ما این است که آگاهی از حقوق شهروندی در یک چارچوب نهادی و بر مبنای رابطه‌ای که بین فرد و نظام سیاسی و همچنین نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی خدمت‌رسان در حوزه عمومی وجود دارد، شکل می‌گیرد. بنابراین با استفاده از نظریه روستاین فرضیه: " به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی (بین فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد " مورد بررسی قرار گرفت. همچنین استنباط ما این است که اعتماد اجتماعی شامل هم اعتماد افراد به یکدیگر و هم اعتماد افراد به نهادهای حوزه عمومی، بسیار تحت تأثیر ارزیابی افراد از عملکرد نظام سیاسی و اعتماد به صلاحیت و صداقت کنشگران سیاسی است که این قسمت از بحث با نظریه جانوسکی همخوانی دارد. جانوسکی همچنین به نقش بازار و رسانه‌های جمعی در مرتبط کردن عرصه دولتی و عرصه خصوصی و نقشی که در آگاه کردن شهروندان دارند، تأکید دارد. بنابراین از نظریه جانوسکی فرضیه‌های " به نظر می‌رسد بین پنداشت از عملکرد نظام سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد و " به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد " استفاده شد. در آخر بر اساس پیشینه تجربی در نهایت متغیر جنسیت جهت بررسی عوامل مرتبط با آگاهی از حقوق شهروندی اضافه شد.



نمودار ۱- مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش کمی، از نظر جهت پژوهش کاربردی و با ابزار اطلاعات پرسشنامه گردآوری شده است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و با در نظر گرفتن اثر طرح^۱، ۸۵۲ نفر از بین ۱۱۶۰۶۵۴ جمعیت بین ۱۸ تا ۶۵ سال برآورد شد. جهت تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری احتمالی چندمرحله‌ای^۲ استفاده گردید. بدین‌صورت که در مرحله اول، مقرر شد به‌جای انتخاب افراد نمونه از کل ۱۱ شهرستان استان لرستان، که توزیع جغرافیایی نسبتاً بالایی دارند، تعداد محدودتری از آن‌ها برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. ابتدا شهرستان‌های استان بر اساس سطح توسعه‌یافتگی به سه سطح نسبتاً برخوردار (خرم‌آباد و بروجرد)، کم‌تر برخوردار (پلدختر، الیگودرز، دورود) و محروم (کوهدشت، نورآباد، الشتر، ازنا، رومشکان، دوره چگنی) تقسیم شدند و با توجه به تشابه نسبی سطح توسعه شهرستان‌های درون هر طبقه، از هر طبقه دو شهرستان به‌تصادف انتخاب شد که با این کار، شهرستان‌های خرم‌آباد، بروجرد، پلدختر، الیگودرز، کوهدشت و الشتر به‌عنوان شهرستان‌های منتخب از سه طبقه مذکور (به ترتیب: نسبتاً برخوردار، کم‌تر برخوردار و محروم) در نمونه قرار گرفتند. سپس از هر شهرستان یک شهر مرکزی و دو روستا برای نمونه‌گیری انتخاب شدند و در شهرها با توجه به نقشه‌های شهری و نابرابری نسبی فضایی، تعدادی بلوک از هر منطقه و در روستاها با توجه به کم بودن جمعیت و عدم نابرابری فضایی قابل‌توجه، از این مرحله صرف‌نظر شد و دو و سه بلوک به‌طور تصادفی برای نمونه‌گیری در نظر گرفته شد. در نهایت، انتخاب واحدهای نمونه برای مصاحبه رودررو با افراد به شیوه سیستماتیک و با مراجعه به درب منازل صورت گرفت. در این تحقیق به دلیل در دسترس نبودن پرسشنامه استاندارد جهت برآورد میزان آگاهی از حقوقی شهروندی، محقق پرسشنامه‌ای را بر اساس مرور ادبیات و پیشینه تحقیق جهت

-
1. Design Effect
 2. probability multi-stage sampling

جمع‌آوری داده‌ها تدوین نمود که شامل دو بخش: ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای شهروندان و میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی در قالب پنج مؤلفه حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی بود. این پرسشنامه دربرگیرنده ۷ مقیاس، آگاهی از حقوق شهروندی (۲۱ گویه)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۳ گویه)، احساس امنیت اقتصادی (۵ گویه)، گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای (۱۳ گویه)، پنداشت از عملکرد نظام سیاسی (۵ گویه)، هویت اجتماعی (قومی و ملی) (۱۲ گویه) و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (۶ گویه) بوده است.

برای تعیین اعتبار مقیاس‌ها از اعتبار صوری و محتوای به‌وسیله پانلی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه کاشان و متخصصین حوزه شهروندی استفاده‌شده است. برای تعیین پایایی از پیش‌آزمونی ۳۵ نفری، شرکت‌کنندگان به روش آلفای کرونباخ استفاده‌شده است که بیشترین مقدار ضریب آلفای کرونباخ مربوط به مؤلفه پنداشت از عملکرد نظام سیاسی ۰/۸۲۰ و کمترین مقدار این ضریب به مؤلفه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی ۰/۵۸۰ اختصاص یافت.

جدول ۱- نتایج تحلیل پایایی متغیرهای پژوهش

مقیاس	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	۶	۰/۵۸۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۳	۰/۷۲۰
احساس امنیت اقتصادی	۵	۰/۷۹۱
گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای	۱۳	۰/۷۳۸
پنداشت از عملکرد نظام سیاسی	۵	۰/۸۲۰
هویت اجتماعی (قومی و ملی)	۱۲	۰/۷۳۳
آگاهی از حقوق شهروندی	۲۱	۰/۷۰۴

نتایج جدول نشان می‌دهد که پس از گرفتن آلفای کرونباخ از مؤلفه‌های میزان

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۵۷

آگاهی از حقوق شهروندی و گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای از هر کدام یک گویه حذف شد و باقی مؤلفه‌ها از همسانی درونی قابل قبولی بین ۰/۵۸۰ تا ۰/۸۲۰ برخوردار هستند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

اصطلاح شهروند از لغت انگلیسی (citizein) و نیز لغت فرانسوی (citoyen) مشتق شده است (جعفری آزاد، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

به نظر هیتر^۱ شهروند به کسی اطلاق می‌شود که ۱- نسبت به دانش مربوط به امور، آگاهی داشته باشد ۲- نگرش مبتنی بر فضیلت مدنی را تدریجاً برای خود درونی کرده باشد ۳- و با مهارت‌هایی جهت مشارکت در جامعه مجهز شده باشد (Oliver & Heater, 1994: 36).

همچنین می‌توان گفت حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و اطلاق عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند (موسوی و وصالی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

1. Heater

جدول ۲- مراحل معرف سازی مفهوم آگاهی از حقوق شهروندی

متغیر وابسته	مؤلفه	تعریف نظری	معرف (سؤال یا گویه)
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق مدنی	منظور از حقوق مدنی، حقوقی است که برای آزادی شخصی ضروری است. از جمله این حقوق شامل آزادی بیان، عقیده، تفکر و حق مالکیت اموال. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است (Marshall, 1964:9).	برای سنجش آن ۷ گویه زیر تنظیم شد. با توجه به شرایط جامعه می‌توان برای برخی از اقوام امتیازاتی قائل بود- رعایت احترام به شأن و منزلت افراد با به خطر افتادن امنیت جامعه ضرورتی ندارد- همه افراد باید صرف‌نظر از دین و مذهب در برابر قانون مساوی باشند و مورد حمایت قرار گیرند- اجازه انتشار به هر نشریه‌ای در جامعه سبب ایجاد اختلاف و عدم یکپارچگی خواهد شد- نباید برخی از افراد به دلیل مناصب و مسئولیت‌های مهم از امتیازات ویژه‌ای برخوردار باشند- دولت نباید اجازه دهد که افراد به راحتی از او انتقاد کنند چرا که این امر سبب اغتشاش در جامعه می‌شود- انعکاس نظرات مردم در رسانه جمعی ضرورتی ندارد.
	حقوق سیاسی	حقوق سیاسی دربردارنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی یا به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی می‌باشد (نش، ۱۳۹۳:۲۱۴)	برای سنجش آن ۳ گویه زیر تنظیم شد. مردم به هیچ وجه حق شرکت در راهپیمایی و تجمعات اعتراضی را ندارند، چون سبب اغتشاش می‌گردد- هر شخصی حق دارد در اداره عمومی کشور خود مستقیماً یا به وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جویند- همه مردم حق رأی مساوی دارند حتی اگر نتوانند این کار را درست انجام دهند.

	<p>حقوق جنسیتی</p>	<p>حقوق جنسیتی، حقوقی مانند حذف هرگونه تبعیض علیه زنان، مساوی بودن در برابر قانون و حمایت از زنان و مشارکت آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹).</p>	<p>برای سنجش آن ۴ گویه زیر تنظیم شد. همه افراد باید صرف نظر از زن یا مرد بودن در برابر قانون مساوی باشند و مورد حمایت قرار گیرند. - زنان همچون مردان می‌توانند در پست‌های سیاسی کشور (ریاست جمهوری) ایفای نقش کنند. - زنان بهتر است به امور داخل خانه بپردازند و امور خارج از منزل را به مردان واگذار کنند. - زن نباید از حق رأی برخوردار باشند چون احساساتی تصمیم می‌گیرند.</p>
	<p>حقوق اجتماعی</p>	<p>حقوق اجتماعی شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود (Marshall, 1964:9).</p>	<p>برای سنجش آن ۴ گویه زیر تنظیم شد. همه مردم حق برخورداری از امکانات مختلف (آموزشی، بهداشتی، بیمه، مسکن و...) را دارند. - لحاظ کردن مصالح و منافع همه اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی در تصویب قوانین ضروری است. - همه افراد جامعه فرصت‌های یکسانی برای رشد و پیشرفت داشته باشند. - همه افراد جامعه حق دارند از امنیت کامل برخوردار باشند.</p>
	<p>حقوق فرهنگی</p>	<p>حقوق فرهنگی شهروندی بر ملاحظه و در نظر گرفتن تنوع، تعدد فرهنگی و احترام به رسمیت شناختن ارزش‌ها و فرهنگ‌های دیگر در سطح اجتماع تأکید دارد (نیازی، ۲۱:۱۳۹۵).</p>	<p>برای سنجش آن ۳ گویه زیر تنظیم شد. پیروان همه ادیان و مذاهب در برپایی مراسم مذهبی خود باید آزاد باشند. - قومیت‌ها باید حق انتشار کتاب و نشریات به زبان مادری را داشته باشند. - برای ایجاد امنیت در جامعه و جلوگیری از هرگونه نفاق بهتر است همه افراد یک جامعه به یک زبان واحد سخن بگویند.</p>

تعریف نظری	تعریف عملیاتی	متغیرهای مستقل
احساس ثابت فرد برای داشتن توانایی مالی و شغل مطمئن درآمدزا که قابلیت برآورده کردن نیازهای او را داشته و در مواقع خطر و تهدید، نگرانی شدیدی از آینده مالی برای او ایجاد نمی‌گردد (باچپایی، ۱۳۸۴: ۴۲).	برای اندازه‌گیری آن از معرف‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بدون نگرانی، حمایت دولت و سازمان‌های حمایتی در صورت بیکاری یا ازکارافتادگی، وجود حداقل درآمدی که کفاف هزینه‌های زندگی را بدهد، در امان بودن مال و اموال مردم و رسیدن به پای مخارج زندگی، برای سنجش این متغیر استفاده شد.	احساس امنیت اقتصادی
منظور از قوم‌گرایی احساس تعلق به یک قوم و برتر دیدن خویش و احساس تضییع حقوق که منجر به تلاش برای کسب از دست‌رفته‌ها می‌شود (کلاس، ۲۰۰۴: ۳). در این تحقیق منظور از قوم‌گرایی، احساس تعلق و وفاداری به نشانگان قومی و التزام در جهت پیگیری خواست‌های قومی است. منظور از طایفه‌گرایی در این مطالعه، گرایش و میل در انتخاب رفتارها، کنش‌ها و منش‌ها بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای طایفه‌ای است.	برای سنجش متغیر قوم‌گرایی از گویه‌های برتر دانستن اعضای قوم خود، دفاع کردن از هم قومی خود هنگام نزاع، اول خود را لرستانی و سپس ایرانی دانستن، با زبان لری صحبت کردن، ازدواج فقط با یک لرستانی، احترام نسبت به آداب و رسوم قومی، احساس خوب داشتن نسبت به فرهنگ و پیشینه گروه قومی و برای سنجش طایفه‌گرایی از گویه‌های ازدواج با افرادی طایفه خود، تنها مشورت کردن با اعضای طایفه خود، نفرت داشتن نسبت به حرف‌هایی که پشت سر هم طایفه‌ای زده می‌شود، در دسته‌های عزاداری فقط با هم طایفه‌ای خود سینه‌زنی کردن، ترجیح محل سکونتی که اکثریت هم طایفه‌ای‌ها زندگی می‌کنند، رأی دادن در انتخابات بر اساس انتخاب بزرگان طایفه	گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای

<p>در این تحقیق برای این متغیر، از معرف‌های پنداشت پیرامون عملکرد مسئولان (صلاحیت از عملکرد مسئولین در اداره امور کشور، خیرخواهی در توجه به منافع مردم، صداقت در شعارها) و پنداشت پیرامون موفقیت نظام سیاسی در حل مشکلات (بیکاری- تبعیض و نابرابری- گرانی و تورم- ناامنی- فساد مالی و ارتشاء- فقر- اعتیاد- درمان و سلامت- مراقبت از محیط زیست- قانون‌گریزی) استفاده شده است.</p>	<p>پنداشت (ارزیابی) نسبت به عملکرد نظام سیاسی، برداشت و جهت‌گیری کلی مثبت یا منفی نسبتاً پایدار شهروندان یک جامعه به صداقت، صلاحیت و عملکرد نظام سیاسی است (پناهی و بنی فاطمه، ۱۳۹۴ به نقل از موسوی و وصالی، ۱۳۹۵).</p>	<p>پنداشت از عملکرد نظام سیاسی</p>
--	---	------------------------------------

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

یافته‌های حاصل از تحلیل آمار توصیفی توزیع جمعیت برحسب شهرستان نشان می‌دهد که شهر خرم‌آباد (۱۹۳ نفر) با ۲۲/۷ درصد بیشترین و شهر پلدختر (۱۲۰ نفر) با ۱۴/۰۸ درصد کمترین میزان حجم نمونه و برحسب جنسیت، مردان (۵۲/۲) و زنان (۴۷/۸) هرکدام حدود نیمی از حجم نمونه را به خود اختصاص دادند. نتایج برحسب سن نشان می‌دهد که گروه سنی ۲۶-۳۵ سال با ۳۶/۸۵ درصد، گروه سنی ۱۵-۲۵ سال با ۲۵/۵۹ درصد و بقیه جمعیت یعنی ۳۷/۵۶ درصد در گروه سنی بالاتر از ۳۶-۴۵ سال توزیع شده‌اند. وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۶/۰ درصد پاسخگویان متأهل، ۴۰/۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۱/۸ درصد پاسخگویان همسر فوت شده یا طلاق گرفته هستند. توزیع جمعیت برحسب سطح تحصیلات نیز نشان می‌دهد که مقطع تحصیلی لیسانس با ۲۹/۵ درصد، دیپلم ۲۲/۳ درصد، ۲۲/۱۰ درصد از جمعیت زیر دیپلم و ۱۱/۱ درصد تحصیلات تکمیلی بالاتر از لیسانس و تحصیلات حوزوی با ۶/۰ درصد حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت جمعیت برحسب میزان

استفاده از رسانه‌های جمعی نشان می‌دهد که (۸۵/۴) و (۱۰/۷) از شهروندان به ترتیب کمتر از ۲ ساعت و بین ۲ تا ۴ ساعت در شبانه‌روز از وقت خود را صرف مطالعه روزنامه و مجله می‌کنند. میزان استفاده از تلویزیون داخلی توسط آنها، ۳۶/۷ درصد بین ۲ تا ۴ ساعت و ۳۱/۲ درصد دو ساعت کمتر از وقت خود را در شبانه‌روز صرف تلویزیون داخلی؛ میزان استفاده از رادیو داخلی ۹۱/۹ درصد کمتر از دو ساعت و ۵/۷ درصد بین ۲ تا ۴ ساعت؛ میزان استفاده از رادیو خارجی ۹۶/۴ درصد کمتر از دو ساعت و ۲/۶ درصد بین ۲ تا ۴ ساعت؛ میزان استفاده از اینترنت ۳۵/۸ درصد کمتر از دو ساعت و ۳۳/۲ درصد بین ۲ تا ۴ ساعت و در نهایت برحسب استفاده از کانال‌های ماهواره ۳۵/۸ درصد کمتر از دو ساعت و ۳۳/۲ درصد بین ۲ تا ۴ ساعت در شبانه‌روز وقت خود را صرف رسانه‌های بالا می‌کنند.

ب) توصیف ویژگی‌های متغیرهای پژوهش

جدول زیر برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. مقادیر میانگین به‌دست‌آمده بر روی طیف ۱ تا ۳ با حد وسط ۲ قرار گرفتند. هر چه این مقادیر به ۱ نزدیک‌تر باشد در مجموع، نمره پاسخگویان نسبت به آن متغیر، ضعیف پایین و هرچه به عدد ۳ نزدیک‌تر باشد، نمرات بالاتری در آن متغیر کسب شده است.

جدول ۳- برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق (n=852)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مینیم	ماکزیمم
پنداشت از عملکرد نظام سیاسی	۱/۱۲	۰/۳۲۶	۱/۱۰	۲/۵۸
احساس امنیت اقتصادی	۱/۵۲	۰/۵۶۶	۱/۹۰	۴/۰۵
هویت اجتماعی	۲/۴۸	۰/۵۹۸	۲/۶۶	۴/۳۳
اعتماد اجتماعی	۱/۷۳	۰/۵۳۹	۲/۰۹	۲/۹۵
گرایش به تعلقات قومی-	۱/۸۰	۰/۵۴۳	۱/۷۰	۳/۷۶

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۶۳

طایفه‌ای				
آگاهی از حقوق مدنی	۲/۵۸	۰/۵۱۱	۱/۹۱	۴/۲۸
آگاهی از حقوق اجتماعی	۲/۸۶	۰/۳۸۱	۴/۱۴	۴/۶۴
آگاهی از حقوق سیاسی	۲/۷۸	۰/۵۴۶	۲/۰۴	۳/۸۷
آگاهی از حقوق جنسیتی	۲/۶۷	۰/۴۹۹	۱/۷۴	۴/۳۴
آگاهی از حقوق فرهنگی	۲/۳۸	۰/۵۱۹	۲/۹۹	۴/۰۸
آگاهی از حقوق شهروندی	۲/۷۱	۰/۵۰۱	۱/۷۴	۴/۶۴

به‌طورکلی نتایج این بخش نشان می‌دهد که میزان آگاهی از حقوق شهروندی و همچنین مؤلفه‌های آن نسبتاً بالاست. همچنین میانگین همه متغیرهای مستقل بیش از حد متوسط و فقط میانگین متغیر خاص‌گرایی کمتر از حد متوسط است.

آزمون فرضیات

فرضیه: به نظر می‌رسد برحسب جنسیت، آگاهی از حقوق شهروندی زنان و مردان با هم تفاوت دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون تفاوت میزان آگاهی از حقوق شهروندی برحسب جنسیت (بر اساس آزمون t مستقل)

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	مقدار تی	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	جنسیت	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید فرضیه	۰/۰۴۰	۰/۰۰۳	۱۰/۰۷	۷۹/۹۵	۳۵۸	زن	فرهنگ	جنسیت شهروندی
			۱۰/۹۷	۷۹/۹۵	۴۰۳	مرد	شهروندی	

بر اساس نتایج جدول بالا و با توجه به سطح معناداری (۰/۰۴۰)، میزان میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در بین دو جنس ۷۹/۹۵ درصد بوده و حاکی از تساوی میانگین بین هر دو جنس دارد. بنابراین فرهنگ شهروندی زنان و مردان تفاوت معناداری باهم ندارد.

فرضیه: به نظر می‌رسد بین متغیرهای مستقل زیر و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل با آگاهی از حقوق شهروندی بر اساس آزمون

R پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار R پیرسون	سطح معناداری	جهت رابطه	شدت رابطه	نتیجه فرضیه
آگاهی از حقوق شهروندی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۲۰۶**	۰/۰۰۰	مثبت	متوسط	تأیید فرضیه
	گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای	-۰/۲۲۳**	۰/۰۰۰	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
	احساس امنیت اقتصادی	-۰/۲۷۸**	۰/۰۰۰	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
	ابعاد هویت اجتماعی	۰/۰۶۶	۰/۰۸۰	مثبت	-	عدم تأیید فرضیه
	پنداشت از عملکرد نظام سیاسی	-۰/۲۶۱**	۰/۰۰۰	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
	اعتماد اجتماعی	-۰/۰۲۰	۰/۵۹۶	مثبت	-	عدم تأیید فرضیه
	استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۰۱۴	۰/۷۰۵	مثبت	-	عدم تأیید فرضیه

بر اساس نتایج جدول فوق و با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه مثبت و شدت رابطه بین دو متغیر در حد متوسط است، بدین معنی که با ارتقای پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان میزان آگاهی از حقوق

شهروندی آن‌ها نیز افزایش پیدا خواهد کرد، همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. با در نظر گرفتن سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، بین گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد که شدت این رابطه در حد متوسط است. جهت رابطه منفی و معکوس می‌باشد، بدین معنی که با افزایش گرایش به تعلقات قومی و طایفه‌ای افراد در جامعه میزان آگاهی از حقوق شهروندی آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد، همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، بین احساس امنیت اقتصادی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد که شدت این رابطه در حد متوسط است. جهت رابطه منفی و معکوس می‌باشد، بدین معنی که با افزایش احساس امنیت اقتصادی افراد در جامعه میزان آگاهی از حقوق شهروندی آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد، همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، بین پنداشت از عملکرد نظام سیاسی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه منفی و معکوس می‌باشد، بدین معنی که با افزایش پنداشت از عملکرد نظام سیاسی افراد میزان آگاهی از حقوق شهروندی آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد، همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. همچنین شدت رابطه بین دو متغیر در حد متوسط است. با در نظر گرفتن سطح معناداری آزمون پیرسون برای سه متغیر، اعتماد اجتماعی (۰/۵۹۶)، هویت اجتماعی (۰/۰۸۰)، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (۰/۷۰۵) نتایج و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین این سه متغیر با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد.

تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام

جدول ۷- ضریب همبستگی چندگانه و ضرایب تبیین در رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

مدل تلخیص شده		Anova		عامل مشترک		متغیر مستقل	متغیر وابسته	مرحله
ضریب تبیین تعدیل شده	ضریب تبیین	sig	F	Sig	B بتا			
۰/۰۸۷	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	۵۵/۳۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۵	احساس امنیت اقتصادی	آگاهی از حقوق شهروندی	اول
۰/۳۵۶	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۴۱/۹۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۹	احساس امنیت اقتصادی	آگاهی از حقوق شهروندی	دوم
				۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	پایگاه اقتصادی- اجتماعی		
۰/۳۸۳	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰	۳۳/۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۰	احساس امنیت اقتصادی	آگاهی از حقوق شهروندی	سوم
				۰/۰۰۰	۰/۱۷۸	پایگاه اقتصادی- اجتماعی		
				۰/۰۰۰	-۰/۱۴۷	گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای		
۰/۴۲۲	۰/۱۷۸	۰/۰۰۰	۳۱/۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۱	احساس امنیت اقتصادی	آگاهی از حقوق شهروندی	چهارم
				۰/۰۰۰	۰/۱۷۷	پایگاه اقتصادی- اجتماعی		
				۰/۰۰۰	-۰/۲۲۴	گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای		
				۰/۰۰۰	۰/۱۹۴	هویت اجتماعی		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود متغیر احساس امنیت اقتصادی با متغیر آگاهی از حقوق شهروندی دارای همبستگی است و این متغیر به‌تنهایی ۰/۰۸۷ درصد از واریانس متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین می‌کند. در مرحله بعد به ترتیب متغیرهای احساس امنیت اقتصادی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی وارد معادله رگرسیونی و ضریب تبیین برای واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی به ۰/۳۵۶ افزایش دادند، سپس با وارد کردن متغیر مستقل سوم گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای این مقدار به ۰/۳۸۳ درصد می‌رسد، در گام چهارم متغیر هویت اجتماعی وارد معادله رگرسیونی گردید که ضریب تبیین برای واریانس متغیر وابسته پژوهش یعنی آگاهی از حقوق شهروندی را به ۰/۴۲۲ درصد افزایش داد. نسبت f در تمامی مراحل معنادار است. با توجه به ضرایب رگرسیونی، متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی و هویت اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مستقیم و مثبت دارند اما متغیرهای احساس امنیت اقتصادی و گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معکوس و منفی دارد؛ با در نظر گرفتن مقدار ضرایب رگرسیونی در مجموع ۴۲/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) از طریق یک ترکیب خطی از متغیرهای مستقل احساس امنیت اقتصادی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای و هویت اجتماعی تعیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

در عصر امروز شهروندی حیاتی، منعطف و در بسیاری از موارد نوین و ذاتاً پیچیده است. شهروندی مفهومی چندبعدی و متکثر است که ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد. این نشان می‌دهد که با خوانش‌های متفاوت و بعضاً متعارضی از شهروند و زیست جهان اجتماعی- فرهنگی او روبه‌رو هستیم. تحولات چند دهه اخیر حوزه شهروندی گویای این حقیقت است که شهروندی در حال تحول است. تحولات به وجود آمده در روابط

دولت - ملت در عصر جهانی شدن نیز موجب شده که دیگر با ظرف سیاست‌های از بالا به پایین و تک‌بعدی محدود به دولت - ملت کلاسیک نمی‌توان شهروند توانا^۱ داشت. داشتن شهروند توانا در پرتو به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و گشودگی فرصت‌های اجتماعی در جهت افزایش معرفت و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی است. با تجربه نوسازی، توسعه و ایجاد تغییرات در سطوح جامعه لرستان شاهد گذار از نظام اجتماعی سنتی به نظام اجتماعی مدرن هستیم. این موجب شده است که اثرات متقابل عرصه‌های سنتی و غیررسمی در کنار عرصه‌های مدرن در این جامعه شکل خاصی به خود بگیرد و اهمیت بررسی مسئله آگاهی از حقوق شهروندی را مضاعف کند. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش نشان می‌دهد که متغیر گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای رابطه معنادار و منفی با آگاهی از حقوق شهروندی دارد. نتیجه آزمون این فرضیه همسو با نظریه ارزش‌ها و حقوق فرهنگی شهروندی ترنر و همسو با نتایج پژوهش امان‌اللهی بهاروند (۱۳۸۵)؛ ترکارانی (۱۳۹۳) و بهرامی (۱۳۹۷) است. می‌توان گفت گروه‌ها و جوامعی که همچنان بر ارزش‌های کهن و فرهنگی خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند، درکی از حقوق و امتیازات شهروندی ندارند و به تبع آگاهی کمتری از حقوق شهروندی خود دارند. برای توضیح این موضوع می‌توان به ساختار ایلی جامعه لرستان و گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای آن اشاره کرد. این گرایش‌ها موجب شده که هنوز بسیاری از شهروندان بر ارزش‌های کهن و تاریخی خود پایبند و به آن‌ها افتخار کنند. این وفاداری به سنت‌ها و ارزش‌های کهن می‌تواند به‌عنوان مانعی در جهت کسب آگاهی از حقوق شهروندی عمل می‌کند. هرچند گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای به‌منزله حزب سیاسی، عامل حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی درون‌گروهی در جامعه مورد مطالعه عمل می‌کند و موجب تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - خانواده، اقوام نزدیک، دوستان و آشنایان - می‌شود، با این وجود مانع امکان ارتباط بین عرضی و وسیع‌تر بین گروه‌های

اجتماعی در جهت افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌شود. همچنین رابطه بین احساس امنیت اقتصادی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی منفی (معکوس) و متوسط است. از آنجاکه جهت گویه‌های این معرف در پرسشنامه منفی بوده در نتیجه این فرضیه همسو با نظریه ترنر است. احساس امنیت اقتصادی یا نداشتن نگرانی شدید از آینده مالی و شغلی می‌تواند به حضور شهروندان در اجتماع و به تبع در آگاهی بخشی آن‌ها مؤثر باشد. مخاطرات اقتصادی شدید در وضعیت کنونی جامعه موجب شده که بسیاری از اقشار ضعیف و طبقات پایین جامعه گرایش بیشتری به وابستگی رفاهی داشته باشند و شهروندی اجتماعی تحت این شرایط، شکل منفعلانه‌تری به خود بگیرد. در توضیح علت عدم احساس امنیت اقتصادی شهروندان می‌توان گفت که در چند سال اخیر شهروندان استان لرستان از نظر وضعیت نرخ بیکاری در سه رتبه نخست بیکاری کشور قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان علت عمده عدم احساس امنیت اقتصادی شهروندان لرستانی را به مسئله اشتغال و بیکاری آنان و بحران اقتصادی در وضعیت کنونی جامعه ایران مرتبط دانست.

نتایج این تحقیق نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار بین هویت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی است. ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی قانونی می‌دهد و موقعیتی برای شکل دادن به اجتماع جامعه‌ای و آگاهی از حقوق شهروندی فراهم می‌کند. می‌توان گفت یکی از ابعاد هویت اجتماعی در این تحقیق که نقش آن پررنگ‌تر است هویت قومی است. هویت قومی و احساس تعلق به قوم در جامعه مورد مطالعه هرچند به تقویت انسجام اجتماعی، تعاملات درون قومی و مشارکت غیررسمی افراد کمک می‌کند، ولی نتوانسته در جامعه‌ای که شهروندی به‌عنوان عنصری مدرن در حال شکل‌گیری است، به آگاه کردن شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی کمک چندانی کند. همچنین در این تحقیق باید به نقش متغیرهای واسطه‌ای اشاره نمود که می‌تواند اثرات غیرمستقیم هویت اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی را توجیه کند.

فرض رابطه بین متغیر اعتماد اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی در این تحقیق نیز مخالف با نظریه روستاین است. روستاین شکل‌گیری اعتماد را از بالا به پایین می‌داند. به نظر وی اعتماد نهادی و سپس اعتماد به‌نظام سیاسی می‌تواند به مشارکت بیشتر و افزایش آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان منجر شود. می‌توان برخلاف نظر روستاین گفت که نحوه شکل‌گیری اعتماد در جامعه مورد مطالعه از پایین به بالا است. ماهیت و خصوصیات اجتماعی فرهنگی جامعه مورد مطالعه از قبیل گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای و خویشاوندگرایی موجب تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌شود که می‌تواند تبیین‌کننده چگونگی شکل‌گیری از پایین به بالای اعتماد باشد.

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری دارد که نظریه مارکس را تأیید می‌کند و با تحقیقات هزارجریبی (۱۳۹۰) و احمد پور (۱۳۹۱) نیز همسو است. داشتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی موجب شده که میزان آگاهی افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر بیشتر از افرادی با موقعیت اقتصادی - اجتماعی پایین‌تر باشد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی با اعتبار بخشیدن به پاسخگویان کمک می‌کند که حضور بیشتری در عرصه‌های مختلف جامعه داشته باشند. حضور در اجتماع موجب افزایش تعاملات بیشتر و به‌تبع یادگیری اجتماعی و افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌شود.

همچنین در میانگین نمرات آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود نداشت که مغایر با تحقیقات سپهوند و باقری (۱۳۹۲)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۵)، شارع پور و شهبازی (۱۳۹۵) و نیازی و همکاران (۱۳۹۶) است. نتیجه آزمون فوق را می‌توان بر اساس نظریه تمایز بوردیو تبیین کرد. وی بر این باور است که زنان و مردان طبقات یکسان از نظر ذائقه تفاوت چندانی باهم ندارند. بر همین اساس می‌توان گفت تفاوت چندانی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین طبقات یکسان برحسب جنسیت وجود ندارند. در حقیقت جامعه لرستان جامعه‌ای با طبقات مختلف نیست و تفاوت‌ها طبقاتی در بین شهروندان چندان وجود ندارد که بتواند منجر به تفاوت در میزان آگاهی از حقوق شهروندی زنان و مردان شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ ترکارانی، مجتبی؛ حق‌نندی، ایرج. (۱۳۹۳)، «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱، ۳۴-۹.
- باجپایی، کانتی. (۱۳۸۴)، *امنیت انسانی: مفهوم و سنجش*، ترجمه: صابر شببانی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بهرامی، ولی؛ تاج مزینانی، علی‌اکبر؛ امیری، حسین. (۱۳۹۵)، «تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۳۲.
- بهرامی، اردشیر؛ عنبری، موسی. (۱۳۸۹)، «بررسی آثار فقر پرخشونت بر میزان خودکشی در ایران (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر)»، *فصلنامه علمی و پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۲.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پیر هادی، علی‌اکبر. (۱۳۸۵)، *حقوق شهروندی*، تهران: انتشارات سروش تهران.
- پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۱ و ۱۳۷۹)، دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج سوم (۱۳۹۴)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح ملی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران، برش لرستان (۱۳۹۴)، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- توسلی، غلام‌عباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۳)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۵، ۶۱-۸۰.
- ترکارانی، مجتبی. (۱۳۹۳)، *مواجهه نظام ایلی با توسعه در لرستان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی توسعه*، دانشگاه تهران.
- وصالی، سعید و موسوی، سید محسن. (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال (مورد مطالعه: استان یزد)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.

۷۲ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۸

- یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.
- فاطمی نیا، سیاوش و حیدری، سیامک. (۱۳۸۷)، «عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۴۱: ۳۸-۶۴.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۱)، «حقوق شهروندی و تأمین اجتماعی»، *فصلنامه مجلس و پژوهش*، شماره ۳۳.
- جلالی پور، حمیدرضا. (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌کژمدرن*، تهران: نشر علم.
- جعفری آزاد، امیر. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه پایگاه طبقاتی و میزان شناخت افراد از ابعاد مختلف شهروندی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- رفیعی، حسن؛ مدنی، سعید؛ وامقی، مروّنه. (۱۳۸۷)، «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۱ و ۲.
- شارع پور، محمود؛ علیوردی نیا، اکبر؛ شعبانی، مریم. (۱۳۹۵)، «بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ششم، شماره ۱۸: ۱-۲۲.
- شعبانی، احمد و سلیمانی، محمد. (۱۳۸۷)، «سنجش و رتبه‌بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور»، *دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ۲، شماره ۲: ۹۵-۱۱۹.
- شهبازی، مظفرالدین و ابراهیمی، سیده مریم. (۱۳۹۲)، «بررسی آگاهی زنان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی معلمان زنان شهرستان ابهر)»، *فصلنامه دانش انتظامی زنجان*، سال دوم، شماره ۶.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، *پایان‌نامه دکتری رفاه اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۵.

بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل ... ۷۳

- صادقی شاهدانی، مهدی و مقصودی، حمیدرضا. (۱۳۸۹)، «سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال ۶، شماره ۲: ۱۳۹-۱۷۶.
- عبدی پور، اکرمی و حق ندی، ایرج. (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد»، قم.
- غفاری، غلامرضا و حبیب پور گتایی، کرم. (۱۳۹۳)، *سیاست اجتماعی: بنیان‌های مفهومی و نظری*، تهران: چاپ اول.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۰)، «گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن»، *پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فاطمی نیا، سیاوش و حیدری، سیامک. (۱۳۸۷)، «عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۴۱: ۶۴-۳۸.
- فطرس، محمدحسن و بهشتی فر، محمود. (۱۳۸۵)، «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری درآمدی بین آن‌ها در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، *فصلنامه اقتصادی*، دوره ۱۲، شماره ۲: ۶۲-۴۵.
- کلدی، علیرضا و نگار پور، دهناد. (۱۳۹۱)، «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۴.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵)، «آموزش شهروندی ملی و جهانی با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، شماره ۱۷.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۹۱)، *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نش، کیت. (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه: فرامرز تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- نیازی، محسن. (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی شهروندی*، تهران: انتشارات سخنوران.
- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۰)، «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال سوم، شماره ۹.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۰)، «بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، سال ۳، شماره ۳: ۱۵۷-۱۸۴.

- Dean, Hartley. (2013). *Welfare Rights and Social Policy*, Routledge: London.
- Kivisto, Peter, and Faist, Thomas. (2005). *Citizenship: Discourse, Theory, and Transnational prospects*---, Blackwell Publishing.
- Pateman, C. (1989). " *The Disorder of Women Democracy, Feminism and Political Theory*", Polity Press, Cambridge.
- Keman, Hans. (1999). " *Citizenship and Welfare State Reform in Europe*", Routledge: London.
- Kellas, James. (2004). " *The politics of nationalism and ethnicity*", London: Macmillan.
- Kartal, Filiz. (2001). " *liberal and republican conceptualization of citizenship: a theoretical inquiry*", Turkish Public Administration Annual, Vol.27-28. pp 101-130.
- Mead, Lawrence. (1986). " *Beyond Entitlement*", New York: Free Press.
- Marshall, T. H. (1964). " *Citizenship and Social Class*", in T. H. Marshall, *Class, Citizenship and Social Development: Essays by T. H. Marshall*; (Garden City, NY: Doubleday).
- Pakulski, Jan. (1997). " *Cultural citizenship, citizenship studies*", vol.1, no.1.
- Turner, Bryan. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge University Press.
- Edwards, Rosalind and Glover, Judith. (2001). *Risk and citizenship*, London and New York: Routledge.
- Marshall, T.H. (1964). *Class, Citizenship and Social Development*. Chicago: University of Chicago Press.
- Oliver, Dawn, and Heater, Derek. (1994). " *The foundations of citizenship, Great Britain*": Harvester Wheatsheaf. Retrieved from: <http://www.books.google.com>
- Rose, Lawrence. (2005). " *Citizen (re)orientations in the welfare state, in: Citizenship and Welfare State Reform in Europe*", Jet Bussemaker (ed), Routledge: London.